

* به نام خالق نوع و قلم *

(بر سپیدار سحر)

محمّد صادق صیامر

انتشارات استوار

۱۳۹۹

سرشناسنامه : صیامی ، محمدصادق ۱۳۱۶
 عنوان و نام پدیدآور : بر سپیدار سحر / محمد صادق صیامی
 مشخصات نشر : مشهد : استوار ، ۱۳۹۹
 مشخصات ظاهری : ۱۴۶ صفحه
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۵-۰۶۴-۴
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : اشعار فارسی
 رده بندی کنگره : PIR 8148
 رده بندی دیویی : ۸۵۴/۶۲
 شماره کتابخانه ملی : ۷۳۷۳۵۸۶

پشید : چهار راه شهدا - جنب باغ نادری - کهنه کتاب

تلفن : ۰۵۱۳۲۲۵۵۲۰۰ - ۳۲۲۳۲۵۶۲ - ۳

همراه : ۰۹۰۳۶۱۲۱۴۸۱ - ۰۹۱۵۴۲۶۱۳۱۵



انتشارات استوار

نام کتاب : بر سپیدار سحر

نویسنده : محمد صادق صیامی

ناشر : انتشارات استوار

طراح جلد : جواد اشرفیان (۰۹۱۵۵۵۸۷۹۹۲)

ویراستار : سهیلا قربانی (باران)

صفحه آرای : مهسا سلیمانی مجد (۰۹۰۳۹۱۰۲۸۶۹)

قطع : رقعی

نوبت چاپ : اول ۹۹

چاپخانه : معین

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

تعداد صفحه : ۱۴۶

شابک : ۹۸۷ - ۶۰۰ - ۴۱۵ - ۰۶۴ - ۴

قیمت : ۳۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مولف محفوظ است

فهرست

۵	مقدمه مولف
۹	اشعار آیینی
۱۹	اشعار عرفانی
۴۳	اشعار اجتماعی
۹۳	اشعار خانوادگی
۱۳۱	اشعار رباعی و دوبیتی
۱۴۲	آلبوم عکس ها

مقدمه مؤلف

دراول فروردین سال ۱۳۱۶ ه.ش در مشهد مقدس متولد شدم. دوره ی ابتدایی را در دبستان "مهر" و "بدر" واقع در خیابان سنایی و آبکوه و دوره ی متوسطه را در دبیرستان "ابن یمین" مشغول تحصیل شده وبا تغییر در مسیر تحصیل، به هنرستان صنعتی مشهد رفته و دوره ی شش ساله را در سال ۱۳۴۰ در آنجا به پایان رساندم.

وقت سربازی فرا رسید و عازم شهر اجدادی خود تهران شده و با معافیت از سربازی در نمایندگی اتومبیل های فولکس واگن مشغول کار شدم. روزی از حسن اتفاق به یکی از دبیران دوره هنرستان برخورد کرده و ایشان مرا به مسئول آزمایشگاه آب تهران معرفی کرد و بزودی به استخدام آنجا درآمدم و اما به جهت اینکه در این کتاب یادی از پدر و مادر عزیزم که مرا یک عمر در دامن پر مهر و محبتشان پرورش دادند زینت بخش آن کرده باشم دو نکته که هر موقع به یاد می آورم برایم دردناک است یادآور می شوم در اداره مشغول بودم که یکی از همکارانم درگذشت ملکوتی پدر بزرگوارم را پس از یک بیماری نه چندان طولانی را به من داد و آنجا بود که زمین و زمان به دوره سرم چرخید و از خود بیخود شدم و آه ناله ام به هوا برخاست و هرچه سعی کردم نتوانستم خودم را به مراسم ربانی آن پدر بزرگوار برسانم و پس از چند سال اقامت در مشهد اجبارا تحت یک عمل جراحی قرار گرفتم که خبر

ناگوار درگذشت مادر عزیز و گران سنگم را که او از ناراحتی تنگی نفس و آسم رنج می برد به من دادند و جان به جان آفرین تسلیم کرد که متأسفانه مثل پدر در مراسم تشییع آن گوهر بی مانند را پیدا نکردم و از پنجره اتاق طبقه سوم بیمارستان تشیع پیکر پاکش را که به طرف آرامگاه ابدی بهشت رضا عبور می دادند را نظاره می کردم و جز اشک و آه چیز دیگری نبود که نثار روح پاکش بدرقه راهش نمایم و آموزش و آموزش و آرامش ابدی برای این دو گوهر نایاب از خداوند متعال خواستارم و این دو نکته ای بود که باید به آن اشاره می کردم امیدوارم دعای خیرشان بدرقه راهمان باشد.

با اینکه شغل و تخصص من ارتباط چندانی با شعر و ادب نداشت، اما از همان زمان، اشعار شاعران را با علاقه ی وافری در روزنامه ها و مجلات دنبال می کردم.

چاپ کتاب برادر بزرگوارم، مرحوم استاد علی اکبر صیامی متخلص به "نداف" که مجموعه شعر "قرات عشق" از ایشان است، و پس از رحلت ایشان با تلاش همسر و دوستانش با مقدمه آقای محمدی و اینجانب، به چاپ رسید که تاثیری زیاد در من گذاشت. وی سواد مدرسه ای نداشت و چند سالی مکتب رفته بود، اما اشعار او آنچنان زیبا، پر معنا و بلیغ بود که هر خواننده ای را به تحسین واد می داشت. مجموعه "قرات عشق" برادرم که شامل موضوعات اجتماعی، آیینی، عاشقانه و... است، در بچه ای شد تا با مطالعه آنها و از سال ۱۳۸۵ قلم در دست گرفته و سرودن را در قالب های گوناگون

بیازمایم. لازم است بگویم زیبایی‌ها و بدایع عرصه زیبای گنجینه ادبیات و شعرو شیوه شاعران گرانمایه مرا مجذوب خود کرده و اتفاق‌های خوبی دست به دست هم دادند تا من امروز این مجموعه را گردآوری کرده و تقدیم خوانندگان عزیز نمایم.

گرچه اتصال و ارتباط من با نوشتن از آنجایی شروع شد که دفتر و نمایندگی مطبوعات در محل سکونتم در تهران وجود نداشت، و من به سمت نماینده و خبرنگار روزنامه و مجلات "موسسه اطلاعات" در زیبا شهر کوی کن تهران را بر عهده گرفته و پل ارتباطی بین ساکنین آن منطقه و نشریات آن زمان شدم. این همکاری تا زمان انقلاب و بازنشستگی و هجرت من به زادگاهم مشهد ادامه داشت.

در مشهد آشنایی با انجمن‌های ادبی و تشویق اساتید مرا در جهت سرودن و در معرض نقد قرار دادن سروده‌هایم سوق داد. جا دارد از همه همراهان جاده سبز سرودن، اساتید محترم بخصوص استاد حسن معین و دیگر شاعران و دوستان عزیزی که قدم به قدم مرا همراهی و یاری کردند و همچنین از مسئولین انجمن ادبی رضوی و موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی و همراهان که همیشه برای پیشبرد اهداف اهالی شعر و هنر کوشا بوده‌اند و اشعار اینجانب را در شمارگان دفتر شمیم بهشت جای داده‌اند صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.